



پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) - 13 / خرداد / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

الم تر كيف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها في السماء تؤتي اكلها كل حين باذن ربها و يضرب الله الامثال للناس لعلهم يتذكرون (1)

بار دیگر چهاردهم خرداد فرا رسید؛ روز عزای بزرگ جهان اسلام؛ روزی که در آن، ایران صبحی بی‌خورشید را آغاز کرد؛ روزی که انقلاب، دیگر ضربان آن قلب تپنده را نشنید؛ روزی که در سراسر جهان، هرجا مسلمان دردمند یا انسان آزاده‌یی بود، احساس یتیمی کرد؛ روزی که ملت ایران، صخره‌ی استواری را که بدان تکیه کرده بود و سرو بلندی را که در سایه‌ی آن آرمیده بود و روح بزرگی را که کعبه‌ی عشق و ایمان خود ساخته بود، در کنار خود نیافت؛ روز عزای، روز امتحان، روز فقدان بزرگ و روز میثاقی ابدی با آن که جامعه‌ی عاریت را به حیات ابدی تبدیل کرده بود.

آری، در آن روز، نعمت مجاورت عینی و حضور جسمانی امام از دست ما گرفته شد و شعله‌ی برقی که به قدرت الهی در فضای زندگی آلوده و مادی این زمانه درخشیده بود، خاموش گشت؛ اما از سویی، معرفت امام ابعادی تازه یافت و به برکت یادآوری لحظه‌های تکرارنشده‌ی سالهای آن رهبری شگفت‌آور و بی‌نظیر، ذهنها به تأمل و تدبری که عادتاً تا کسی زنده و در دسترس است، رخ نمی‌دهد، روی آورد و چشمها خورشید فروزان و گرمابخشی را که اکنون ستاره‌یی دوردست شده بود، به رصد نشست. آنچه در ستایش آن یگانه‌ی زمان و مجدد دوران، در روزی و هفته‌یی چند، بر زبانها و قلمها و در شعرها و مقاله‌ها آمد، در همه‌ی دوران رهبریش نیامده بود، و این برای نسل معاصر - که سالها دچار تبلیغات عنادآمیز و فضای غبارآلوده‌ی دوران انقلاب و جنگ تحمیلی بود - فوزی عظیم به شمار می‌رفت و می‌رود. و از سوی دیگر، احساس خلأ امام کبیر و عظیم، دل‌های اندیشناک از خطرات محتمل را یکدل کرد و همه را بر صراط مستقیم خط امام و دفاع از میراث گرانبهای او - یعنی نظام اسلامی و ارزشهای انقلاب - ثابت قدم ساخت؛ شور و همتی تازه به ملت، و عزم و تلاشی کم‌سابقه به خدمتگزاران کشور، و قوت و استحکامی بیش از گذشته به رابطه‌ی ملت و دولت بخشید و برکات پایان‌ناپذیر آن سلاله‌ی پیامبران و منادی راه صالحان، پس از رحلت از این جهان نیز، کشور و ملت و انقلاب را شامل شد؛ «فسلام علیه یوم ولد و یوم ارتحل و یوم یبعث حیاً».

اکنون با گذشت دو سال از آن حادثه‌ی تلخ، اگرچه سالگرد روزی که در آن از زمین و آسمان غم می‌روید و می‌بارید، بار دیگر کامها را تلخ و دلها را سرشار از اندوه می‌کند، اما مشاهده‌ی این که امام عظیم‌الشأن ما، همچنان در همه‌ی مشاهد و مناظر انقلاب، حاضر و ناظر و چون خورشید پرتوافشان است، دلها و جانها را از امید و اطمینان سرشار می‌سازد. خدا را شکر که طمع و پیش‌بینی دشمنان - که مترصد بودند با درگذشت امام، کشور را دچار هرج و مرج، انقلاب را مواجه با بن‌بست، ملت ایران را آشفته، و توطئه‌های خود را موفق ببینند - سراب شد و نیرنگ و افسون آنان که کوشیدند کشور و ملت و دولت را از راه امام بگردانند، با هوشیاری و تعهد مسؤولان و حضور دایمی مردم در صحنه خنثی گشت و راه امام و خط روشنی که در برابر ملت ترسیم کرده بود، با قوت و قاطعیت ادامه یافت.

اکنون در کنار خاطره‌ی تلخ چهاردهم خرداد، این واقعیت شیرین در برابر چشم ماست که امام راحل، اگر نه به جسم، اما با فکر و راه و وصیت همیشه‌زنده‌ی خود در کنار ماست و زنده است و به فضل و قدرت خدا، هیچ قدرتی نخواهد



توانست این حضور و این حیات را سلب کند و جمهوری اسلامی را از پدر و بنیانگذار و معلم بزرگ خود جدا سازد.

اینک این جانب از این فرصت برای ذکر نکاتی چند استفاده می‌کنم:

اول آن که دشمنان که نتوانسته‌اند - و به یاری خدا هرگز نخواهند توانست - ایران اسلامی را از راه امام راحل و خط فکری، سیاسی او جدا کنند، تلاش می‌کنند در تبلیغات زهرآگین خود وانمود کنند که چنین چیزی اتفاق افتاده و جمهوری اسلامی از مبدأ و ریشه و بنیان خود جدا افتاده است. آنان بویژه در مواردی این سخن باطل را با جنجال بیشتری از بوقهای تبلیغاتی دشمنان تکرار می‌کنند که جمهوری اسلامی در یکی از صحنه‌های جهانی یا داخلی، به موفقیت و موقعیتی دست یافته باشد. هدف آنان از این سمپاشی، تحت تأثیر گرفتن افکار عمومی مسلمانان به پا خاسته و انقلابی در کشورهای اسلامی است، که با بیداری و امیدی که از پیروزی و پایداری ایران اسلامی سرچشمه گرفته، هم‌اکنون کار را بر ایادی استکبار در بسیاری از این کشورها دشوار ساخته‌اند. استکبار و شبکه‌ی تبلیغاتی وابسته به آن، همت گماشته‌اند که امید و خوش‌بینی این مسلمانان به پا خاسته را مبدل به نومیدی و بدبینی کنند، و برای این مقصود، هیچ‌چیز بهتر و مؤثرتر از آن نیست که انقلاب اسلامی پیشاهنگ و بن‌بست‌شکن ملت ایران را ناکام و ناتوان جلوه دهند و چنین قلمداد کنند که ایران اسلامی در مواجهه با مشکلات، مجبور شده است از راه اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) و خط روشن امام خمینی (قدس‌سره) روی بگرداند.

این جانب، با قوت و قاطعیت اعلام می‌کنم که این ترغیب استکبار، خود دلیل محکمی بر عجز آنان در مقابله با انقلاب اسلامی ایران و نشان بارزی بر تداوم این راه مقدس در زادگاه نظام نوین اسلامی است. ملت ایران، بهتر از هر کس دانسته است که یگانه سنگر مستحکم در برابر زر و زور اردوگاه استکبار و بویژه امریکای غدار - که امروز علناً دم از سلطه‌گری بر ملل مظلوم و ضعیف می‌زند - تمسک به اسلام و قرآن و پایبندی به اصول نجاتبخش آن است، و انحراف از این اصول، راه را بر نفوذ دشمنان اسلام باز، و آنان را در سلطه‌ی انتقامجویانه بر ملتی که بزرگترین ضربه را بر منافع نامشروع و حیثیت دروغین مستکبرین وارد آورده، کامیاب می‌سازد. از آن روست که این ملت هوشمند و شجاع، از لحظه‌ی اوجگیری نهضت عظیم خود، همواره با همه‌ی وجود، از اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) دفاع کرده و هوشیارانه با ترغیبات و توطئه‌هایی که از سوی سردمداران استکبار و متولیان اسلام امریکایی هدایت می‌شده، مبارزه کرده است؛ و ان‌شاءالله همواره چنین خواهد بود.

دیگر آن که در ماه‌های اخیر - و در اجرای همان سیاستی که هم‌اکنون گفته شد - مسأله‌ی به نام رابطه میان جمهوری اسلامی با کشورهای غربی، در آشفته‌بازار شایعه و خبرسازی امپراتوری خبری استکبار سر برآورده و مورد بحث و تفسیرها و ادعاها و اعمال نظرهای گوناگون شده است، و بدیهی است که بوقهای تبلیغاتی از چندین سوی مختلف، اما همه با انگیزه‌ی مبارزه با جمهوری اسلامی و به زیر سؤال بردن این نظام الهی و مردمی و وارد آوردن ضربه‌ی حیثیتی به آن، از این مسأله بهره‌برداری کرده‌اند.

این جانب، با اعتماد و اطمینان به هوشیاری و قدرت تحلیل که بحمدالله به برکت انقلاب در میان اقشار مردم ما رایج است، لازم می‌دانم اعلام کنم که برخلاف ادعا و میل سخنگویان استکبار، خطوط اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی - که پایه‌ی عمده‌ی آن، اصل «نه شرقی و نه غربی» است - تغییر نیافته و هرگز هم قابل تغییر نیست و جنجال هوشیگرانه‌ی دشمنان قادر نیست دولت و ملت ایران اسلامی را از راهی که با بصیرت انتخاب کرده و با



معرفت پیموده است، منحرف سازد.

آن روزی که در تقسیم‌بندی جهان میان بلوک شرق و بلوک غرب، دولت‌ها و رژیم‌ها و حتی تحولات سیاسی و انقلابی کشورها، ناچار باید به یکی از این دو مجموعه ملحق شده و زیر نفوذ سران آن - یعنی شوروی یا امریکا - قرار می‌گرفتند، اصل «نه شرقی و نه غربی»، اعلام شکستن این طلسم همگانی و رهایی از نفوذ قدرت هر دو ابرقدرت آن زمان بود. و امروز که با تحولات شوروی و اروپا، بلوک شرق منهدم گشته و شوروی از جایگاه ابرقدرتی فرو افتاده و رژیم امریکا در صحنه‌ی به‌ظاهر بی‌رقیب، به تظاهرات مستانه و غرورآمیز خود سرگرم است و بدون پایبندی به قیود و رسوم معمول روابط جهانی، قلدرانه مطامع خود را بر مصالح همه‌ی ملتها ترجیح داده و در هر کاری خودسرانه دخالت می‌کند و برای تأمین آنچه منافع خود فرض کرده، عنان گسیخته هر جنایتی را مرتکب می‌شود و بی‌محابا دست خود را تا مرفق به خون بی‌گناهان می‌آلاید و هر دو بلوک سابق شرق و غرب را، عرصه‌ی حضور نظامی و جاسوسی و تبلیغات و بهره‌کشی خود قرار داده است، اصل «نه شرقی و نه غربی» به معنای عدم تسلیم در برابر این افزونخواهی مستکبرانه و مقابله‌ی جدی با دست‌اندازی آن رژیم به منافع امت اسلامی و رد و نفی رسوم و قیودی است که آن رژیم به جای اصول پذیرفته‌ی بین‌المللی، از سوی خود و برای حفظ مطامع خود، وضع و جعل کرده است.

جمهوری اسلامی، رابطه با رژیم امریکا را که رمز و نشانه‌ی قلدری و سلطه‌ی ناحق و مظهر ستم به ملت‌های ضعیف عالم است، مردود می‌داند و تا وقتی آن رژیم، مستکبرانه به ملت‌ها ظلم می‌کند، در دولت‌ها و کشورها دخالت می‌کند، از رژیم‌های نامشروعی چون رژیم منفور صهیونیستی حمایت می‌کند، با نهضت‌های آزادیخواهانه و بیداری ملت‌ها ستیزه می‌کند و بخصوص با ملت مسلمان پیشگام ایران و ملت‌های به‌پا خاسته‌ی مسلمان دشمنی می‌ورزد، هرگز با آن رژیم رابطه برقرار نخواهد کرد.

رابطه با دیگر کشورها - چه اروپایی و چه آسیایی و آفریقایی، و چه کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی، و چه غیر آنها - تا آن‌جا که به تشخیص مسؤولین، در جهت منافع و مصالح کشور و ملت باشد، برای ما همیشه مطلوب، بلکه لازم بوده است و مسؤولین دولتی موظف بوده و هستند، آن را هوشمندانه و پیگیر تأمین کنند؛ و آنان و همه‌ی ملت بدانند و می‌دانند که ایجاد این روابط و تحکیم آن، هیچ‌گونه خدشه‌ی به اصل «نه شرقی و نه غربی» وارد نمی‌سازد.

دیگر آن‌که در نظام اسلامی، اگرچه رسم و سنت انتقاد و نصیحت مشفقانه به مسؤولین، یکی از مواهب الهی و مفاخر اسلامی و مایه‌ی رشد و ارتقاء و پیشرفت امور و مصداق بارز فریضه‌ی امر به معروف است و باید در جامعه بماند و توسعه و کیفیت بیابد، ولی مخلوط کردن این کار مستحسن و لازم با اشاعه‌ی روحیه‌ی بدبینی و سوءظن به کارگزاران اصلی کشور و بدگویی از آنان - که به تضعیف روحیه، یا تضعیف جایگاه آنان بینجامد - خطایی بزرگ و خیانت‌آمیز خواهد بود.

اگر کسانی با گفتن و نوشتن یا رفتار متعمدانه‌ی خود، بذر شك و تردید نسبت به مسؤولان بلندپایه‌ی کشور را در دل‌ها بیفشانند و فضا و افق را تیره و یأس‌آور جلوه دهند، با هیچ توجیه و بیانی نمی‌توان آنها را خدمتگزار و خیرخواه به حساب آورد. این کار در کشور ما که از نظامی اسلامی و انقلابی، و مسؤولانی کاملاً مردمی، و ملتی با اخلاص و فداکار، و صمیمیتی بی‌نظیر میان مردم و مسؤولان، و استعداد و ظرفیتی درخشان برای کار و پیشرفت، و حیثیتی



برجسته در جهان و میان ملت‌های عالم برخوردار است، بی‌شک ضربه به آینده‌ی کشور و خیانت به آرمان‌های انقلاب محسوب می‌شود و گناهی نابخشودنی است.

این‌جانب، به پیروی از راه و روش همیشگی امام عظیم‌الشان راحل، دفاع از همه‌ی نهادهای قانونی کشور را وظیفه‌ی عاجل خود دانسته، پشتیبانی از دولت و مجلس شورای اسلامی و قوه‌ی قضاییه و دیگر دستگاه‌های قانونی را بر خود واجب می‌دانم و هیچ‌گونه برخورد خصمانه و تضعیف‌آمیز نسبت به مسؤولان صدیق و دلسوز کشور را تحمل نخواهم کرد و بویژه دفاع از رئیس‌جمهور محترم و دولت خدمتگزار را که با تفضلات الهی امروز به وسیله‌ی یکی از درخشانترین چهره‌های انقلاب و یکی از کارآمدترین مغزها و بازوهای کشور و کسی که در طول مبارزات شانزده‌ساله و در دوران دوازده‌ساله‌ی پس از پیروزی، همیشه در خط مقدم انقلاب و در جایگاه ممتاز آن قرار داشته، اداره می‌شود، برهمگان واجب می‌دانم. البته مسؤولان و کارگزاران کشور باید بدانند و می‌دانند که توجه به انتقاد و نصیحت، و زدودن معایب و نقایص کارها، و رعایت اصول و موازین نظام اسلامی، و حفظ جهتگیریهای انقلابی، وظیفه‌ی است که صلاحیت هر مسؤولی در جمهوری اسلامی، وابسته به رعایت آن و محترم شمردن آن است.

در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه‌ی تصمیم‌گیریهای اجرایی است و همه‌ی مسؤولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، تا مسؤولان بخشهای مختلف اجرایی، بخصوص رده‌های سیاستگذاری و کارشناسی، و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جد و جهد و با همه‌ی اخلاص، درصدد اجرای عدالت در جامعه باشند. امروز در جامعه‌ی ما، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهیدست و کم‌درآمد است که غالباً بیشترین بار نظام را در همه‌ی مراحل بردوش داشته‌اند و دارند و همواره با اخلاص و صمیمیت، از انقلاب و اسلام دفاع کرده‌اند. دفاع از قشرهای محروم - که صاحبان واقعی انقلابند - باید در رأس همه‌ی برنامه‌ریزیهای کشور و محور کلیه‌ی تحرکات اقتصادی در بخشهای مختلف آن باشد و صحت هر سیاست و برنامه‌ی اقتصادی، با چگونگی و اندازه‌ی پیشرفت در این هدف، در کوتاه‌مدت یا بلندمدت، سنجیده شود.

همچنین مسؤولان نظام، اعم از نمایندگان محترم مجلس و مأموران اجرایی و قضایی، باید مراقب باشند که از عوارضی که در نظامهای طاغوتی و غیرمردمی، بیماری همه‌گیر کارگزاران است، خود را با دقت و وسواس دور نگهدارند؛ بیماری رفاه‌زدگی و عشرت‌طلبی؛ بیماری زدوبند نامشروع و فساد مالی و اداری؛ بیماری تکبر و دوری از مردم و بی‌اهمیتی به نیاز و خواست و اراده و حضور آنان؛ بیماری دسته‌بندیهای ناسالم و ترجیح مقاصد باندی بر مصالح عمومی و امثال اینها، که ابتلای به آن، مانند موربانه پایه‌های هر نظامی را سست و پوک می‌کند؛ و یا دل‌سپردن به سنتهای طاغوتی و رغبت به احیای آنها و بی‌تفاوتی یا بی‌اعتنایی به ارزشهای اسلامی و انقلابی، که دل را می‌میراند و نشاط و شوق خدمت به مردمی را که مخلصانه جان و مال خود را در راه انقلاب داده‌اند، سلب می‌کند و آنان را نومید و غمگین می‌سازد.

مأموران نظام در هر بخش، مخصوصاً در بخشهای کارشناسی و برنامه‌ریزی، باید بدانند که یگانه نجاتبخش کشور و ملت از شر سلطه‌ی دشمنان و جباران و از شر فقر و جهل - که میراث شوم طواغیت است - رعایت ارزشهای اسلامی و عدل اسلامی و تکیه بر استعدادهای انسانی این ملت و نیروهای خالص و مخلص آن است؛ و هم این است که کشور را از وابستگی به بیگانگان و نیاز به دشمنان نجات خواهد داد.



سخن آخر آن که در فاصله‌ی میان دو سالگرد حضرت امام (قدس سرّه الشریف)، عنایات حضرت حق (جلّ و علا) و توجهات ولیّ الله الاعظم (روحی فداه) شامل حال ملت ما گشت و حقوق تضییع شده‌یی به این ملت سرافراز و عظیم الشان برگردانده شد که مهمترین آن، بازگشت پیروزمندانه‌ی آزادگان عزیز و سربلند ما بود. این جانب، ضمن شکر و سپاس به درگاه پروردگار، بار دیگر یاد و نام این عزیزان را - که هم‌اکنون در تهران مجمعی بزرگ فراهم آورده و از سراسر کشور به تجدید عهد با پیشوای عالی قدرشان شتافته‌اند - گرامی داشته، به خانواده‌های محترم شهدای بزرگوار و جانبازان فداکار و رزمندگان غیور و با اخلاص، ضمن عرض ارادت، یادآوری می‌کنم که این نیز محصول پایداری و صبر شما و رهبری آن امام راحل عالی‌مقام (رضوان الله علیه) است ؛ «ولینصرنّ الله من ینصره انّ الله لقویّ عزیز» (2).

همچنین لازم می‌دانم با تجلیل از خاطره‌ی قیام خونین پانزدهم خرداد، از شهدای مظلوم آن روز که در ظلمات سلطه‌ی طاغوتی، غریبانه به خون تپیدند، یاد کرده، علو درجات آنان را از ایزد مثنی طلب نمایم. از خداوند متعال، دوام فیوضات و برکاتش بر این ملت و بر همه‌ی مسلمین عالم و نصرت و یاریش برای مستضعفان و ستمدیدگان جهان را مسألت می‌کنم.

والسلام علیکم ورحمة الله
نوزدهم ذیقعدة الحرام 1411 هجری قمری
برابر با سیزدهم خرداد ماه سال 1370 هجری شمسی
سیّد علی خامنه‌ای

1) ابراهیم: 24 و 25

2) حج: 40